

رسانه‌سازی اتاق‌های فکر آمریکایی نمایی دیگر از جنگ نرم

نوشته

مهسا ماه‌پیشانیان*

چکیده

با جهانی شدن اطلاعات، گسترش پیشرفت‌های تکنولوژیک و اهمیت یافتن جنبه نرم‌افزاری قدرت و جنگ در جهان امروز نقش "اتاق‌های فکر" (Think Tanks) در ایالات متحده آمریکا برای تدوین سیاست‌های عمومی این کشور به منظور برخورد سخت و نرم با جمهوری اسلامی ایران افزایش یافته است. این مؤسسات فکری با به‌کارگیری کارشناسان، مقامات سابق و کنونی دولت و نیز صاحب‌نظران مسائل مختلف از ابتدا تاکنون با اتخاذ چهار رویکرد کلان سازش (ترغیب ایران به همکاری)، جنگ (ناپودی ایران)، تغییر از درون (براندازی نظام جمهوری اسلامی) و بازدارندگی (تحدید ایران) با هدف تغییر رژیم جمهوری اسلامی ایران وارد عرصه سیاست‌گذاری درباره کشورمان شده‌اند. در متن حاضر در صدد پاسخگویی به این سؤال اصلی هستیم که اتاق‌های فکر در ایالات متحده آمریکا برای عملیاتی نمودن جنگ نرم در برابر جمهوری اسلامی ایران از چه راهکارهای رسانه‌ای بهره می‌گیرند؟ بر همین اساس ضمن معرفی مختصر مهم‌ترین اتاق‌های فکری آمریکا به بررسی مهم‌ترین راهکار آن‌ها یعنی رسانه‌سازی برای برخورد با جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم. زیرا همان‌گونه که می‌دانیم جنگ نرم، با هر تعریف، با رسانه ارتباطی وثیق دارد. به واقع عرصه رسانه‌ها را می‌توان یکی از مهم‌ترین کانون‌های عملیاتی شدن جنگ نرم دانست.

کلید واژه: اتاق‌های فکری، رسانه‌سازی، صنعت تهدید نمایی، تصویرسازی.

مقدمه

"اتاق‌های فکر" با نام‌های دیگری چون "سازمان‌های فکری"، "مؤسسات تحقیقاتی"، "نهادهای فکری" و غیره در ایالات متحده به‌عنوان "دانشگاه‌هایی بدون دانشجوی" (Universities Without Students) مورد توصیف قرار می‌گیرند. در آنجا با به‌کارگیری کارشناسان، مقامات سابق و

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر m.mahpishanian@gmail.com

کنونی دولت و نیز صاحب‌نظران مسائل مختلف، به بررسی مسائل داخلی و خارجی این کشور می‌پردازند و در عین حال بر تعیین سیاست عمومی نیز تأثیرگذار هستند (Benner, Reinicke, Witte, 2000: 3). متنقدترین این مؤسسات به‌نوعی مانند دولت سایه و منبع تأمین افراد مورد نیاز در دولت‌های بعدی عمل می‌کنند؛ که مقامات سابق دولت آمریکا وارد این مؤسسات می‌شوند و مقامات دولت‌های جدید از آن‌ها خارج می‌گردند. این مؤسسات همچنین کارشناسان مورد نیاز را جهت امور رسانه‌ها، نگارش گزارش در مورد رخدادهای روزمره و ارائه شهادت در کمیته‌های کنگره در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند (Stone, 2005: 2).

در عین حال، جایگاه این اتاق‌های فکر به‌طوری در آمریکا جا افتاده است که آن‌ها را در کنار رسانه‌ها، "قوه چهارم" (Fourth Branch) حاکمیت می‌نامند؛ قوه‌ای در تراز سه قوه دیگر (قانون‌گذاری، اجرایی، قضایی) که ساختار حاکمیت ایالات متحده را می‌سازند (Abelson, 2002). بر این اساس است که نهادهای مذکور در آمریکا به چهره اصلی ترسیم دورنمای سیاسی کاخ سفید تبدیل شده‌اند و سیاست‌گذاران در کنگره، کاخ سفید، پنتاگون و حتی مقامات اداری فدرال غالباً برای تصمیم‌گیری‌های خود به مشاوره‌های آن‌ها روی می‌آورند (Hass, 2002).

اهمیت اتاق‌های فکر زمانی آشکارتر می‌شود که نقش آن‌ها در تدوین راهکارهای آمریکا برای برخورد سخت و نرم با کشورمان مورد بررسی قرار گیرد. این اتاق‌های فکر از ابتدا تاکنون در مجموع چهار رویکرد کلان درباره ایران را شکل داده‌اند و اکثر آن‌ها نیز در مقاطع مختلف ۳۲ سال گذشته وارد عرصه سیاست‌گذاری درباره جمهوری اسلامی شده‌اند. چهار رویکرد اصلی عبارت‌اند از (عبدالله خانی، کاردان: ۱۳۹۰):

- رویکرد سازش: ترغیب ایران به همکاری
- رویکرد جنگ: نابودی ایران
- رویکرد تغییر از درون: براندازی نظام جمهوری اسلامی
- رویکرد بازدارندگی: تحدید ایران

اتاق‌های فکری آمریکا برای دستیابی آسان و سریع به اهداف مذکور به فعالیت در عرصه رسانه‌ها نیز پرداخته‌اند. آن‌ها با راه‌اندازی سایت‌ها و رسانه‌های مختلف سعی در اقناع، فریب و دستکاری افکار و اذهان مخاطبان خود دارند. از این‌رو شناخت این عرصه برای مدیریت تهدیدات نرم‌افزارانه نوین و چالش‌های مترتب بر آن اهمیت فراوانی دارد.

با توجه به این مطالب در پاسخ به سؤال اصلی می‌توان فرضیه این مقاله را این‌گونه طرح کرد که اتاق‌های فکری در آمریکا با دارا بودن جهت‌گیری ایدئولوژیک محافظه‌کار، راست مرکز، مرکز (طرفدار سیاست‌های میانه‌رو)، چپ مرکز و پیشرو اگرچه از نظر عملیاتی راهکارهای متفاوتی را برای برخورد سخت و نرم با جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌دهند اما همگی در راستای تغییر نظام کشورمان به رسانه‌سازی می‌پردازند.

اتاق‌های فکر آمریکایی و جمهوری اسلامی ایران

هرچند از همان ابتدای شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران، غرب و در رأس آن ایالات متحده از هیچ اقدامی برای سرنگونی نظام ایران فروگذار نکرده و از تمامی اهرم‌های سخت و نرم علیه کشورمان استفاده کرده‌اند، ولی فروپاشی اتحاد شوروی و پیروزی غرب ایدئولوژیک آن‌ها در برابر بلوک کمونیسم را می‌توان سرآغاز جنگ نرم جدی آن‌ها و به‌ویژه تغییر جهت نهادهای فکری غرب به سمت حوزه‌های دیگر مورد نگرانی آن‌ها که همانا اسلام و به‌ویژه ایران بود، دانست. در این‌زمان، اتاق‌های فکر آمریکایی که شمار زیادی از آن‌ها برای رویارویی فکری با اتحاد شوروی تأسیس شده بودند، خود را پیروز میدان دانسته و تلاش کردند همین استراتژی را در قبال کشورهای دیگر از جمله ایران دنبال کنند.

این رویه با «کمیته خطر جاری» ("Committee on the Present Danger "CPD") و «بنیاد (موقوفه) ملی برای دموکراسی» شروع شد و به‌سرعت به دیگر مؤسسات آمریکایی نیز سرایت کرد. در همین رابطه نیز فعالیت‌های خود را به انجام تحقیقات در مورد ایران، رسانه‌سازی، جذب چهره‌های دانشگاهی، انجام اقدامات جاسوسی در پوشش اعزام کارشناس متمرکز کردند. هم‌اکنون نیز بیش از ۸۰ مؤسسه و اتاق فکر آمریکایی با بودجه‌ای معادل دومیلیارد دلار در سال در زمینه جنگ نرم علیه کشورمان فعالیت دارند و در ۱۸ سال گذشته ۱۷ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار به‌طور مشخص برای براندازی جمهوری اسلامی ایران هزینه کرده‌اند (روزنامه کیهان، ۱۳ آذر ۱۳۸۹: ۲).

با توجه به همین رویکرد و همچنین فعالیت‌های این مؤسسات آمریکایی علیه ایران که می‌خواستند ثمره آن را در انتخابات ریاست‌جمهوری خرداد ۱۳۸۸ ببینند، وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران هم با ارائه لیستی از ۶۰ مؤسسه غربی، فعالیت‌های آنان را مغایر با امنیت ملی کشورمان دانست و هرگونه همکاری با آنان را ممنوع ساخت.^۱ نکته مهم آنکه تمامی مؤسسات مذکور از تغییر نظام جمهوری اسلامی ایران حمایت می‌کنند و تنها تفاوت‌شان در شیوه انجام این کار است.

راهکارهای عملیاتی اتاق‌های فکری علیه ایران

با بررسی اقدامات اتاق‌های فکر آمریکایی علیه ایران در زمینه‌های گوناگون، می‌توان محورهای زیر را از جمله راهکارهای عملیاتی آنان برای تغییر نظام جمهوری اسلامی ایران دانست:

۱. بهره‌گیری از جریان‌ات منحرف فکری

یکی از اولین شیوه‌های غرب و به تبع آن مؤسسات فکری در آنجا علیه کشورمان برای براندازی نرم، بهره‌گیری از جریان‌ات منحرف فکری در میان قشر به اصطلاح روشنفکری بود که در ساختار نظام جمهوری اسلامی حضور داشتند و می‌توانستند بزرگ‌ترین ضربه را به نظام

وارد سازند. اتاق‌های فکر با استفاده از این شیوه در راستای استحاله درونی کشورمان تلاش می‌کنند (ماه‌پیشانیان، ۱۳۸۹: ۴۵).

۲. سیاه‌نمایی فعالیت‌های هسته‌ای ایران

تأکید بر نظامی‌بودن فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای کشورمان که همواره در چارچوب موافقتنامه‌ها و پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و همچنین بر طبق مفاد معاهده منع گسترش (ان‌پی‌تی) صورت می‌پذیرد، از اصول اساسی تقریباً تمامی مؤسسات آمریکایی در مبارزه با ایران بوده است. در این رابطه هم به دلیل فقدان شواهد مستدل، بر نیت ایران اصرار دارند و ادعا می‌کنند کشورمان در نهایت به دنبال ساخت تسلیحات هسته‌ای است. به هر حال، با بررسی مسائل مختلف متوجه می‌شویم که در تمامی گزارش‌های آنان نگرانی از به‌خطر افتادن امنیت رژیم صهیونیستی و برهم‌خوردن موازنه قدرت در منطقه به ضرر این رژیم موج می‌زند. برای مقابله با برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران نیز راهکارهایی از تحریم تا حمله نظامی را پیشنهاد می‌کنند. در این اواخر هم به غرب توصیه می‌کنند در زمینه حقوق بشر به ایران فشار بیاورند و در زمینه هسته‌ای امتیاز بگیرد. شیوه آن‌ها نیز اصرار غرب بر ادعای نقض حقوق بشر در ایران و در نتیجه وادار کردن مسئولان کشورمان به کوتاه آمدن در غنی‌سازی اورانیوم است (ماه‌پیشانیان، ۱۳۹۰).

۳. استفاده ابزار از حقوق بشر

مؤسسات آمریکایی در گذشته به کرات از چنین شیوه‌ای برای حمایت از مخالفان و عوامل جریان فتنه در داخل استفاده کرده‌اند. صدور بیانیه‌های مکرر در حمایت از آشوب‌طلبان، قاتلان، قاچاقچیان مواد مخدر و جاسوسان؛ دعوت به سخنرانی از چهره‌های ایرانی به اصطلاح طرفدار حقوق بشر؛ ارائه گزارش به شورای حقوق بشر سازمان ملل و نهادهای دولتی کشورهای غربی؛ فشار به دولت‌ها برای توجه به مسئله حقوق بشر در روابط خود با ایران؛ اعطای جوایز مختلف به فتنه‌گران داخلی به اسم حمایت از فعالان حقوق بشر؛ و غیره از راه‌کارهای عمده آنان در این زمینه بوده است (عبدالله‌خانی، کاردان، ۱۳۹۰: ۸۹).

۴. شخصیت‌سازی

برجسته‌کردن فتنه‌گران و مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران در قالب روشنفکر، فعال حقوق بشر، آزادی‌خواه، اندیشمند و غیره نیز از دیگر شیوه‌های مؤسسات غربی است که غالباً با استفاده از رسانه‌های تحت اختیار خود جنبه تبلیغاتی گسترده‌ای به آن می‌بخشند. در این روش تلاش می‌شود رقیبانی از درون جامعه هدف برای شخصیت‌های اصلی و رهبران داخلی ایجاد شود (همان: ۱۰۲).

۵. تحریک قومیت‌ها برای تجزیه ایران

تحریک قومیت‌ها را می‌توان از اولین سیاست‌های غرب علیه کشورمان دانست، به‌گونه‌ای که با گذشت تنها سه روز از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، غائله کردستان و پس از آن موارد مشابه را در مناطق دیگر همچون ترکمن صحرا و خوزستان راه انداختند که با تدبیر امام خمینی(ره) و رشادت پاسداران خنثی شد. به‌هرحال، در سال‌های اخیر چنین سیاستی دوباره در چارچوب استراتژی آن‌ها برای مقابله با کشورمان قرار گرفته است که به‌طور مشخص اجرایی کردن آن بر دوش "مؤسسه امریکن اینترپرایز" قرار داده شده است. این مؤسسه به‌طور آشکار به انتشار کتب و مقالات و نیز برگزاری نشست‌ها در این زمینه می‌پردازد. در یکی از نشست‌های اخیر این مرکز تحت عنوان "ایران ناشناخته: موردی دیگر برای فدرالیسم"، (The Unknown Iran: Another Case for Federalism) اشخاصی ناشناخته از قومیت‌های گوناگون ایران را دور هم جمع کردند و به‌صراحت هدف از برگزاری این نشست را "رهبرسازی" برای قومیت‌های ایران و تحریک آنان جهت مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران عنوان کردند (AEI Conference, 26 October 2005).

۶. اجرای طرح‌های انقلاب رنگی

با موفقیت انقلاب‌های رنگی در کشورهای تازه استقلال‌یافته از شوروی، تجویز این نسخه برای کشورمان نیز در دستور کار بنیادهای فکری غرب و به‌خصوص مؤسسه سوروس قرار گرفت (ماه‌پیشانیان، ۱۳۸۹: ۵۰). در این رابطه، همکاران آن‌ها در داخل شروع به ترجمه کتاب‌های مرتبط با این نوع تحولات و برگزاری کلاس‌های آموزشی در داخل و خارج با حضور عوامل رنگی در کشورهایی همچون صربستان کردند. در واکنش به این تلاش‌های شکست‌خورده، مقام معظم رهبری در خطبه‌های اولین نماز جمعه (۲۹ خرداد) پس از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸ فرمودند:

خیال کردند ایران هم گرجستان است. یک سرمایه‌دار صهیونیست آمریکایی (جورج سوروس) چند سال قبل از این، طبق ادعای خودش که در رسانه‌ها و در بعضی از مطبوعات نقل شد، گفت من ده میلیون دلار خرج کردم. در گرجستان انقلاب مخملی راه انداختم؛ حکومتی را بردم، حکومتی را آوردم. احمق‌ها خیال کردند جمهوری اسلامی ایران و این ملت عظیم هم مثل آنجاست. ایران را با کجا مقایسه می‌کنید؟! مشکل دشمنان ما این است که هنوز هم ملت ایران را نشناختند (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، ۲۹ خرداد ۱۳۸۸).

۷. حمایت از فراریان

جذب روزنامه‌نگاران و شخصیت‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران به اسم بورسیه تحصیلی و پژوهشگر توسط مؤسسات فکری آمریکا و نیز اعطای بیش از ۵۰ جایزه به بهانه‌های

مختلف در چند سال اخیر به آنان از دیگر راه‌کارهای اتاق‌های فکر آمریکایی در این خصوص بوده است. این فراریان پس از حضور در مؤسسات مذکور با پشت‌کردن به عقاید و خصلت‌هایی که در سابق هرچند به صورت ظاهری حفظ می‌کردند، تماماً به سخنگوی اندیشه‌ها و خواسته‌های آنان تبدیل شدند.

۸. ایجاد، تقویت و استفاده از سازمان‌های غیردولتی

کمک به ایجاد و تقویت سازمان‌های غیردولتی در ایران نیز از اقدامات مؤسسات غربی به‌خصوص "جامعه باز" متعلق به جورج سورس، میلیاردر یهودی بود که سعی داشتند ضعف آنان را به‌لحاظ منابع انسانی، مالی و مدیریتی برطرف سازند. این سازمان‌های غیردولتی با راه‌اندازی کارگاه‌های آموزشی مشترک با عوامل این مؤسسات در سراسر ایران و همچنین خارج از ایران سعی داشتند ضمن آشناساختن شرکت‌کنندگان با اندیشه‌های غربی در مورد جامعه مدنی، سکولاریسم، بازار آزاد، حقوق بشر، آزادی‌های مدنی و دموکراسی، شیوه‌های عملیاتی کردن چنین دیدگاه‌هایی در ایران را نیز به آن‌ها آموزش دهند. به‌خصوص در کارگاه‌هایی در صربستان و امارات عربی متحده برگزار می‌شد، چگونگی ایجاد انقلاب رنگی در کشورمان با استفاده از تجربیات دیگر در کشورهای مخملی آموزش داده می‌شد (عبدالله خانی، کاردان، ۱۳۹۰: ۹۴).

۹. رسانه‌سازی

همان‌گونه که اشاره شد جنگ نرم، با هر تعریف، با رسانه ارتباطی وثیق دارد. به‌واقع عرصه رسانه‌ها را می‌توان یکی از مهم‌ترین کانون‌های عملیاتی‌شدن جنگ نرم دانست. عرصه رسانه از چنان قابلیت‌ها و امکاناتی برخوردار است که با در اختیار گرفتن آن‌ها می‌توان به سهولت به اهدافی مانند اقناع، فریب و دستکاری افکار و اذهان مخاطبان دست یافت (الیاسی، ۱۳۸۶). بر همین اساس سایت‌ها و نشریات اینترنتی راه‌اندازی‌شده به زبان‌های فارسی توسط مؤسسات غربی که به تهیه خبر، گزارش، مصاحبه و ارائه راهکارها به مخالفان و فتنه‌گران می‌پردازند از آنچنان اهمیتی برخوردارند که طی سال‌های اخیر بودجه هنگفتی را برای آن‌ها منظور کرده‌اند. همه این سایت‌ها تلاش دارند به ایجاد جو بدبینی در ایران دامن زده و موجب تشکیک در برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای کشورمان شوند. از جمله این وب‌سایت‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- "گذار" متعلق به خانه آزادی؛
- "پنجره" متعلق به بنیاد ملی برای دموکراسی؛
- "راهبرد" متعلق به بنیاد ملی برای دموکراسی؛
- "ایران ترکر" یا "ردیاب ایران" متعلق به مؤسسه امریکن اینترپرایز؛
- "ابتکار امنیتی ایران" متعلق به مؤسسه سیاست خاور نزدیک واشنگتن؛

● «چراغ آزادی» متعلق به مؤسسه کیتو.
در قسمت بعدی مقاله به بررسی وبسایت‌های مذکور می‌پردازیم.

الف. وبسایت اینترنتی «گذار»

این وبسایت در ابتدا به صورت یک ماهنامه اینترنتی، در سپتامبر ۲۰۰۶ (شهریور ۱۳۸۵) و با بودجه ۱۵ میلیون یورویی دولت هلند^۲ در راستای حمایت از «پلورالیسم رسانه‌ای در ایران» و تحت مدیریت خانه آزادی راه‌اندازی شد. خانه آزادی معروف به «بازوی تبلیغاتی دولت و جناح راست» آمریکا، در سال ۱۹۴۱ از سوی مخالفان سیاست انزوگرایی و به عنوان عکس‌العملی در قبال نازیسم، تقویت ارزش‌های آمریکایی و نیز حمایت از تلاش‌ها برای ورود به جنگ جهانی دوم تأسیس شد. بعد از این جنگ، فعالیت‌های این نهاد به مبارزه با کمونیسم تغییر یافت و با تأسیس ناتو، به بازوی فرهنگی آن تبدیل شد. خانه آزادی در طول این دوران نقش فعالی را در جنگ روانی علیه کمونیسم ایفا کرد و در کنار طرح‌های دیگری چون طرح مارشال عهده‌دار گسترش و افزایش نفوذ لیبرال دموکراسی در بلوک شرق و آمریکای لاتین شد. در این رابطه، علاوه بر موارد بالا، روی کار آوردن عناصر دست‌نشانده آمریکا در کشورهای چون اوکراین و گرجستان و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم آمریکا و فراهم کردن شرایط ورود این کشور به جنگ عراق و افغانستان، این نهاد را در زمره سازمان‌هایی امنیتی چون سیا قرار داده است.

این سازمان از سه طریق کلی به فعالیت می‌پردازد: تحلیل (بررسی و تحلیل آزادی در کشورهای دیگر بر طبق معیارهای خود که نتیجه آن‌را در گزارشات سالانه‌ای تحت عنوان «آزادی در جهان» و «آزادی مطبوعات» ارائه می‌دهد)؛ حمایت (پشتیبانی از مخالفان کشورهای دیگر در مجامع بین‌المللی)؛ و اقدام (در اختیار قرار دادن امکانات مالی و آموزش‌های لازم به مخالفان کشورهای دیگر).

وبسایت رسمی خانه آزادی به هفت زبان از جمله فارسی مطلب دارد که خود گویای اهمیت ایران در برنامه‌ریزی‌های آن است. در بخش فارسی، آثار و اسناد کلیدی در زمینه دموکراسی و مقاومت مدنی ترجمه شده است و در اختیار کاربران قرار می‌گیرد (بخش فارسی خانه آزادی).

هم‌اکنون ایران به یکی از اهداف راهبردی این سازمان تبدیل شده و نام ایران را در کنار چین، روسیه و مصر به عنوان «کشورهای هدف» قرار داده است. در بخش خاورمیانه این سازمان، تنها برای ایران، بحرین، کویت، مصر و اردن برنامه‌هایی در زمینه توسعه دموکراسی تهیه و به اجرا درمی‌آید. نکته جالب اینجاست که برای هر یک از کشورهای مذکور یک برنامه در دست اجراست، حال آنکه برای ایران دو برنامه تدارک دیده شده است: وبسایت اینترنتی «گذار»؛ و توسعه جامعه مدنی (جهت تغییر نظام ایران).

با این حال، در اواخر بهمن ۱۳۸۹ بر روی این سایت اعلام شد که "گذار" به دلیل مشکلات مالی تعطیل شده است؛ هرچند گفته شد که خانه آزادی همچنان به حمایت خود از مخالفان ایران ادامه خواهد داد و امکان دسترسی به آرشیو و مطالب گذشته این سایت وجود خواهد داشت (سایت گذار).

هدف از راه‌اندازی این وب‌سایت گردآوری افراد مختلفی تحت عناوین شاعر، نویسنده، کارگردان، بازیگر، خبرنگار، فعال حقوق بشر، وبلاگ‌نویس، عکاس، کارشناس مسائل قومی و غیره و هویت‌سازی برای این افراد و قرار دادن آن‌ها در کنار کارشناسان آمریکایی برای طراحی راه‌کارهای گوناگون برای براندازی نرم به اسم دموکراسی‌سازی است.

سایت مذکور تمامی مطالب خود را به دو زبان انگلیسی و فارسی منتشر می‌ساخت و از ژانویه ۲۰۰۸ (بهمن ۱۳۸۶) از حالت ماهنامه خارج و دائماً به‌روز شد و امکان مشارکت خوانندگان و نویسندگان در گروه‌های بحث و تبادل نظر را فراهم آورد.

پس از انتخابات ۱۳۸۸ در کشورمان، سایت گذار تارنمای خود را شکلی تازه بخشید و در قالبی جدید و افزودن دو گزینه جدید تحت‌عنوان "گزارش‌های حقوق بشر" و "تالار گفت‌وگوی گذار" این امکان را فراهم آورد تا خوانندگان بتوانند نظرات خود را در آن قرار دهند. در عین حال، همگام با تلاش‌های دیگر سایت‌های وابسته، مبادرت به انتشار ویژه‌نامه‌های اینترنتی برای به‌اصطلاح زنده نگه‌داشتن مخالفت‌ها کرد (ویژه‌نامه گذار، ۲۴ خرداد ۱۳۸۹). این سایت همچنین در بخشی تحت‌عنوان "کتابخانه" کتاب‌هایی را در زمینه مقاومت مدنی، دموکراسی، مبارزه غیرخشونت‌آمیز، عبور از فیلترینگ و تاکتیک‌های حقوق بشری داشت که بیشتر آن‌ها ترجمه آثار غربی به زبان فارسی هستند (کتابخانه گذار).

جدای از مقالات و مطالب متعدد سایت گذار علیه کشورمان، در تاریخ ۲۲ آوریل ۲۰۰۹ (۲ اردیبهشت ۱۳۸۸ و یک ماه قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری ایران) مقاله‌ای از دانیل کالینگرت (Daniel Calingaert)، معاون برنامه‌های خانه آزادی در زمینه جامعه مدنی و رسانه‌ها، با عنوان "انتخابات مهندسی‌شده و راه‌های مقابله با آن" (Election Rigging and How to Fight It) از سوی این سایت منتشر شد که در آن موضوع تشکیل کمیته صیانت از آرا در کشورهایی همچون ایران مطرح شده بود.^۳

کالینگرت در ابتدای مقاله خود با اشاره به شیوه‌های به‌کار رفته و موفق در انقلاب‌های رنگی می‌نویسد:

هرچند شاهد برگزاری انتخابات در اکثر کشورهای سراسر جهان هستیم، ولی در بسیاری موارد، این انتخابات آزاد و عادلانه نیستند. امروزه می‌توان تا شصت کشور را در زمره "استبداد انتخاباتی" (Electoral Authoritarian) دسته‌بندی کرد: آن‌ها آزادی‌های دموکراتیک را محدود کرده و هدف‌شان از برگزاری انتخابات دوره‌ای و چندحزبی کسب مشروعیت داخلی و بین‌المللی است. با این حال، حاکمان این کشورها تمایلی به شکست در انتخابات نداشته و از این‌رو برای تضمین بقای

قدرت خود به دستکاری آرا می‌پردازند. این نظام‌های استبداد انتخاباتی، بیش از هر جا در آسیای مرکزی، آفریقای زیر صحرای شمال آفریقا و خاورمیانه مشهود هستند (Calingaert, 2006: 144).

وی در ادامه بیان می‌دارد که آگاهی از چگونگی تقلب توسط نظام‌های استبدادی در گذشته، راه مناسبی برای کمک به مخالفان داخلی و حامیان بین‌المللی آن‌ها در راستای کشف و جلوگیری از تقلب در انتخابات آتی است. با توجه به این امر، کالینگرت به بررسی مبسوط شیوه‌های ادعایی مذکور در چهار مرحله از فرایند انتخاباتی می‌پردازد: ثبت نام از رأی‌دهندگان؛ مبارزات انتخاباتی؛ رویه‌های به کار گرفته شده در روز انتخابات؛ و شمارش آرا.

وی در نهایت با بررسی فرایندهای انتخاباتی در کشورهای مختلف به انواع موارد تقلب و دستکاری در انتخابات پرداخته و برای جلوگیری از چنین چیزی، پیشنهاد تشکیل کمیته‌ای برای صیانت از آرا را در این کشورها مطرح می‌سازد. کالینگرت در اینجا نیز به صراحت از ایران صحبت کرده و چنین توصیه‌ای را هم در مورد ایران دارد. او در این رابطه می‌نویسد:

برای نظارت مؤثر بر انتخابات، احزاب و سازمان‌های مخالف باید ناظرانی آموزش دیده را در هر مرکز رأی‌گیری و هر صندوق رأی قرار دهند... آن‌ها همچنین باید به تبادل یافته‌ها و نتایج خود با دیگر ناظران داخلی و بین‌المللی و رسانه‌ها جهت جلب توجه بین‌المللی به هر نوع تقلب یا دستکاری بپردازند» (همان: ۱۴۵).

ب. سایت پنجره و راهبرد

وبسایت پنجره و راهبرد هر دو متعلق به "بنیاد ملی برای دموکراسی" (NED) (National Endowment for Democracy) می‌باشد. این بنیاد با شعار «آنچه برای آمریکا خوب است، برای جهانیان نیز خوب است» (What Is Good for America is Good for the World). بزرگ‌ترین تأمین‌کننده مالی فعالیت‌های مخالفین کشورهای دیگر پشت نقاب دموکراسی بوده؛ هر چند نهادی نزدیک به محافل نومحافظه‌کار و دست راستی است، ولی مورد حمایت دو حزب اصلی آمریکا (جمهوری خواه و دموکرات) می‌باشد. هدف از تشکیل آن در سال ۱۹۸۳ نیز اشاعه دموکراسی مورد نظر آمریکا با اعطای کمک‌های مالی به احزاب، رسانه‌ها و مخالفین نظام‌های کشورهای دیگر بود. توسعه دموکراسی با قرائت آمریکایی، ایجاد و حمایت از سازمان‌های همسو با لیبرال دموکراسی غرب و حفاظت از منافع آمریکا از فعالیت‌های ویژه این بنیاد است (NED Official Website, About Us). در واقع، مهم‌ترین ابزار ایالات متحده در جنگ نرم علیه کشورهای دیگر همین بنیاد است که حتی در مواردی رهبری اقدامات سخت در کشورهای آمریکای لاتین را نیز عهده‌دار بوده است.

"بنیاد ملی برای دموکراسی" دارای چهار مؤسسه مهم است که بازوهای اصلی آن را تشکیل می‌دهند. هر کدام از این مؤسسات نیز توسط یک حزب سیاسی یا گروه اقتصادی پایه‌گذاری شده‌اند که به‌رغم استفاده از بودجه دولتی، در مقابل کنگره پاسخگو نیستند و از آزادی عمل

گسترده‌ای برخوردارند:

۱. "مؤسسه بین‌المللی (حزب) جمهوری خواه" (IRI) (International Republican Institute) وابسته به حزب جمهوری خواه (بازوی سیاسی بنیاد)
۲. "مؤسسه دموکراتیک ملی برای امور جهانی" (National Democratic Institute for International Affairs) (NDI) وابسته به حزب دموکرات (بازوی سیاسی بنیاد)
۳. "مرکز بنگاه‌های خصوصی بین‌المللی" (Center for International Private Enterprise) (CIPE) وابسته به اتاق بازرگانی آمریکا (بازوی اقتصادی بنیاد)
۴. "مرکز آمریکایی همبستگی با کارگران جهان" (American Center for International Labor Solidarity) (ACILS) معروف به "مرکز همبستگی" (بازوی کارگری بنیاد).

از ابتکارات بنیاد ملی برای دموکراسی می‌توان موارد زیر را نام برد:

جنبش جهانی برای دموکراسی^۴ (World Movement for Democracy)

مجله دموکراسی^۵ (Journal of Democracy)

مجمع بین‌المللی مطالعات دموکراسی^۶ (IFDS) (The International form for democratic studies)

"مرکز منبع (اطلاعاتی) دموکراسی" (Demcracy Resource Center) (DRS)

مرکز کمک به رسانه‌های بین‌المللی (سیما)^۷ (Center for International Media Assistance) (CIMA)

بنیاد ملی برای دموکراسی از طریق چهار مرکز و بازوهای اصلی خود و همچنین مراکز تحت پوشش آنان موظف بود در بخش‌های سیاسی، اقتصادی و کارگری کشورهای اسلامی فعال شده و تلاش خود را برای جلب همکاری رهبران سیاسی، قانون‌گذاران و احزاب میانه‌رو به‌خصوص احزابی که به دنبال فضای سیاسی بازتری هستند معطوف نمایند. همچنین از سازمان‌های تابعه خواسته شده بود تا از طریق بخش خصوصی به تقویت سازمان‌ها و جمعیت‌های اقتصادی و بازرگانی مدافع بازار آزاد بپردازند و روابط خود را با رهبران اتحادیه‌های کارگری تعمیق بخشیده و در صدد جلب همکاری آنان برآیند. علاوه بر این موارد بر ضرورت حمایت ویژه از اسلام‌گرایان لیبرال و تحلیل و مطالعه نظام‌مند زندگی عمومی در ایران و کشورهایمانند سودان و افغانستان تأکید شده بود.

در کل می‌توان گفت بنیاد ملی برای دموکراسی اگرچه در ظاهر به مرکزی برای تجزیه و تحلیل "نظریه و عمل" توسعه دموکراتیک معروف شده بود اما چنانچه منابع آمریکایی نیز بر آن تأکید دارند، به دنبال شناسایی نیروهای مختلف در کشورهای ضدآمریکایی بوده تا از ناحیه آنان بتوانند اقدامات مناسب را برای تضعیف این کشورها به کار بسته و منابع مالی و فکری آنان را تأمین نماید (NED Strategy, 1992). با نگاهی به فعالیت‌های بنیاد ملی برای دموکراسی علیه کشورمان، متوجه می‌شویم که اقدامات مداخله‌گرایانه آن در کشورمان از دهه ۱۹۸۰ آغاز شده است که می‌توان به اعطای بورسیه، کمک‌های مالی و اعطای جوایز به مخالفان اشاره داشت. با

این‌حال، شروع فعالیت‌های رسمی و جدی این بنیاد علیه جهان اسلام و به‌طور خاص ایران را باید پس از حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و به خصوص پس از انتخابات ریاست‌جمهوری خرداد ۱۳۸۸ دانست. بر همین اساس بنیاد ملی برای دموکراسی حمایت خود از فعالیت مخالفان و سایت‌های خبری افزایش داد و همان‌طور که در سایت رسمی آن آمده، در سال ۲۰۰۹ برای آزادی اطلاعات در ایران ۲۸۰ هزار دلار و در زمینه حقوق بشر ۳۹۶ هزار دلار کمک مالی به مخالفان ایران اعطا کرده است (در کل ۶۷۶ هزار دلار) (NED Annual Reports, Iran, 2009). این میزان برای سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ نیز به‌ترتیب ۱۴۰ و ۴۴۸ هزار دلار بوده است (NED Annual Reports, Iran, 2007 & NED Annual Reports, Iran, 2008).

سایت این بنیاد، بخشی نیز به زبان فارسی دارد که در آن می‌توان شیوه آماده‌سازی طرح‌های پیشنهادی، چگونگی کسب بورسیه و اطلاعات دیگر را به‌دست آورد. همچنین بخشی نیز به فارسی با نام "پنجره" در این سایت وجود دارد که در آن عنوان می‌شود پنجره به‌مثابه دریچه‌ای است که کنشگران و فعالان سیاسی اجتماعی از طریق آن می‌توانند ارزش‌ها و مطالب مربوط به دموکراسی در کشورهای فارسی‌زبان را جست‌وجو کنند و به منابع گوناگون و ارزشمندی به زبان فارسی دسترسی پیدا کنند. از جمله بخش‌های سایت پنجره می‌توان به توانمندسازی سازمان‌های غیردولتی، آموزش جامعه مدنی، فرایندهای حل اختلاف، ارزش‌های آرمانی دموکراسی، بازار آزاد، آزادی اجتماعات، فضای آزاد اطلاع‌رسانی، پاسخگویی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، تقویت سازمان‌های سیاسی، انتخابات و توانمندسازی زنان اشاره داشت که در ذیل آن‌ها مطالب و مقالات مختلفی به فارسی قرار داده شده است (بخش فارسی سایت بنیاد ملی برای دموکراسی).

در گزارش مالی بنیاد ملی برای دموکراسی در سال ۲۰۰۸ از طرحی با عنوان "ابتکار تحقیقاتی برای ایران معاصر" (Research Initiative for Contemporary Iran (RICI)) یاد می‌شود که ۸۷ هزار دلار برای تقویت مباحث دموکراتیک و تبادل ایده‌های این‌چنینی در میان جامعه مدنی ایران و فعالان دانشجویی اختصاص یافته است. راه‌اندازی و توسعه سایتی با نام "راهبرد" (Rahbord) که باید به انتشار مقالات در زمینه انتقال دموکراتیک و نقش جامعه مدنی در ایران بپردازد نیز بخشی از همین بودجه عنوان شده است. در عین حال بیان می‌شود که در طرح مذکور باید از تکنولوژی‌های جدید جهت دور زدن فیلترینگ در ایران و دسترسی فتنه‌گران داخلی به سایت‌های بسته استفاده شود (NED Annual Reports, Iran, 2008).

ج. وب‌سایت ایران تِرَکِر یا ردیاب ایران

شاید یکی از مهم‌ترین اقدامات مؤسسه امریکن اینترپرایز در راستای مقابله با کشورمان راه‌اندازی سایت "ایران تِرَکِر" (Iran Tracker) (ردیاب ایران) در ۲۷ آوریل ۲۰۰۹ (هفتم اردیبهشت ۱۳۸۸) و یک ماه قبل از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری ایران بوده باشد. این

مؤسسه معروف به پدرخوانده نهادهای فکری دست‌راستی در آمریکا که بسیاری آن را پرنفوذترین مرکز مطالعاتی نومحافظه‌کاران بر سیاست‌های کاخ سفید در زمان تصدی جمهوریخواهان می‌دانند، ابتدا در سال ۱۹۳۸ توسط شماری از تاجران نیویورک در این شهر پایه‌گذاری شد و پس از آن در سال ۱۹۴۳ و در اوج جنگ جهانی دوم با نام «انجمن امریکن^۸ اینترپرایز» (AEA) American Enterprise Association و انتقال مقر آن به واشنگتن، به‌طور رسمی کار خود را آغاز کرد (AEI Official Website, History).

امریکن اینترپرایز از جمله نهادهای نومحافظه‌کاری است که غالب کارشناسان آن بر این عقیده‌اند که تنها باید از طریق حمله نظامی و تغییر نظام اسلامی در ایران، مشکلات میان ایران و غرب را حل و فصل کرد.

سایت «ایران تریکر» که نخستین ابتکار «پروژه تهدیدات حیاتی» (Critical Threats Project) به سرپرستی فردریک کیگان است با هدف رصد کامل و به‌روز تحولات ایران از جمله انتخابات ریاست‌جمهوری و مذاکرات هسته‌ای با کشورمان راه‌اندازی شد. فعالیت‌های نظامی، روابط خارجی، برنامه هسته‌ای، سیاست ایالات متحده و تهدیدات مرتبط، بخش‌های مختلف این سایت هستند (Iran Tracker Official, About Critical Threats, Website).

علاوه بر این تحریک قومیت‌ها و حمایت از تجزیه ایران و نیز مطرح کردن بحث‌های مربوط به انقلاب رنگی در ایران پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸ در ایران، از مهم‌ترین جهت‌گیری‌های این مؤسسه بوده است.

د. پروژه «ابتکار امنیتی ایران»

مدیر این پروژه تحقیقاتی در مؤسسه سیاست خاور نزدیک واشنگتن پاتریک کلاوسون است (WINEP Official Website, Iran Security Initiative).

این پروژه صفحه‌ای ویژه نیز در سایت مؤسسه سیاست خاور نزدیک واشنگتن دارد و از عنوان درشتی که در این صفحه اینترنتی نمایان است، می‌توان پی به هدف اصلی آن‌ها برد. عنوان مذکور، جمله‌ای از تونی بلر، نخست‌وزیر سابق انگلیس است: «به اعتقاد من تا وقتی نظام ایران تغییر نکند، در امنیت نخواهیم بود.» «خبر ویژه»، «مقالات»، «تحلیل» و «اسناد» از بخش‌های مختلف این صفحه هستند. هدف از این پروژه نیز تولید تحلیل‌های مهم، گفت‌وگوهای خصوصی، برگزاری نشست‌های عمومی و توصیه‌های کاربردی با محوریت این مسائل عنوان شده است (همان).

«مؤسسه سیاست خاور نزدیک واشنگتن» در سال ۱۹۸۵ از سوی «کمیته ارتباطات مردمی اسرائیل در آمریکا» (ایپک) (American Israel Public Affairs Committee (AIPAC) تأسیس شد و تمرکز اصلی خود را بر سیاست خارجی ایالات متحده در خاورمیانه قرار داد. این مؤسسه در واقع بازوی پژوهشی ایپک محسوب می‌شود (WINEP Official Website, Our Mission).

رابرت ستلاف یهودی و نومحافظه‌کار افراطی با دیدگاه‌های جنگ‌طلبانه ریاست این مؤسسه را از سال ۱۹۹۳ برعهده دارد. وی همچنین تنها فرد غیرعرب در یک شبکه عربی^۹ که به اجرای برنامه برای مردمان خاورمیانه می‌پردازد.

از جمله فعالیت‌های این مرکز می‌توان به اعطای بورسیه تحقیقاتی در مسائل سیاسی و نظامی به پژوهشگران دیگر کشورها از جمله مخالفان ایران، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، برگزاری نشست‌های تخصصی با حضور کارشناسان مسائل خاورمیانه و دولت‌مردان آمریکایی و تهیه بانک اطلاعات متخصصان مسائل خاورمیانه اشاره داشت.

جدای از مقالات فراوانی که تنها در یک سال اخیر بیش از ۴۰ عنوان است، این مرکز دو گزارش مهم و ۱۳ نشست در مورد کشورمان با حضور مخالفان دولت جمهوری اسلامی ایران داشته است. گزارش نخست با عنوان "اهرم فراموش‌شده: فعالیت‌های اطلاعاتی علیه ایران" (The Missing Lever: Information Activities against Iran) در مارس ۲۰۱۰ به وسیله مایکل آیزنشتات تهیه شده است که در آن از «نبرد ارتباطاتی استراتژیک» توسط دولت آمریکا به‌عنوان کارآمدترین گزینه در برخورد با ایران یاد می‌شود. حمایت غیرمستقیم از فتنه‌گران در ایران و مخالفان در خارج و سرپا نگه داشتن آن‌ها، دامن زدن به اختلافات و شکاف‌ها میان مسئولان جمهوری اسلامی ایران و نیز میان دولت و مردم از جمله اصول این نبرد (Eisenstadt, 2010) است. در گزارش دوم با عنوان "نزدیکی بیشتر با اقداماتی سنجیده: مخالفان ایران، مسئله هسته‌ای و غرب" (Much Traction from Measured Steps: The Iranian Opposition, the Nuclear Issue, and the West) از پاتریک کلاوسون بیان می‌شود که هرچند منافع غرب و مخالفان ایران مشابه نیست، ولی ضرورتاً در تضاد هم نیستند و اینکه اگر هریک از طرفین گام‌هایی را در جهت تأیید منافع طرف دیگر بردارند، آن‌گاه می‌توانند به میزان زیادی به همسانی در منافع برسند. بزرگ‌نمایی موارد نقض حقوق بشر؛ افزایش تبادلات فرهنگی با مردم ایران؛ و ایجاد اختلاف میان مردم و دولت از جمله اصول این طرح هستند (Clawson, 2010).

هـ. سایت "چراغ آزادی"

سایت چراغ آزادی متعلق به مؤسسه کیتو است. این مؤسسه در سال ۱۹۷۷ توسط ادوارد اچ. کرین و چارلز کُوک مالک "صنایع کُوک"، بزرگ‌ترین کمپانی خصوصی ایالات متحده (فعال در تجارت و پالایش نفت) به‌منظور توسعه معیارهای لیبرال تأسیس شد. هرچند این مؤسسه خود را یک بنیاد تحقیقاتی غیرانتفاعی و فارغ از وابستگی‌های حزبی می‌داند، ولی غالباً از آن به‌عنوان نهادی دست‌راستی و نومحافظه‌کار یاد می‌شود. با این حال، مؤسسه مذکور از منتقدین حمله جورج بوش به عراق در سال ۲۰۰۲ بود، اما از سیاست‌های مهاجرتی و مالیاتی رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا حمایت می‌کرد.

در رابطه با جهت‌گیری فکری این مؤسسه در قبال ایران و به‌خصوص برنامه هسته‌ای کشورمان باید گفت که اکثر کارشناسان این مرکز در تحلیل‌های خود هرچند با تردید، ولی موافق تعامل و مذاکره با ایران بودند و آن را بهترین راه‌حل برای حل مشکلات فیما بین می‌دانند. آن‌ها همچنین با حمله نظامی به‌دلیل پیامدهای ناگوار مخالف هستند. ازسوی دیگر هرچند بر حمایت از مخالفین تأکید دارند، ولی عنوان می‌دارند که چنین حمایتی باید در بُعد فشار بر ایران برای رعایت حقوق بشر و دموکراسی باشد و نه کمک‌های مالی و یا تغییر نظام از طریق حمله نظامی (CATO Institute Annual Report, 2006).

این مؤسسه با راه‌اندازی سایت “چراغ آزادی” می‌کوشد تا در عرصه رسانه‌ای نیز به اهداف خود در مقابله با جمهوری اسلامی ایران دست یابد. “چراغ آزادی” سایتی اینترنتی است که به‌عنوان بخشی از پروژه خاورمیانه‌ای مؤسسه کیتو راه‌اندازی شده ولی تحت مدیریت “بنیاد پژوهش‌های اقتصادی اطلس” (The Atlas Economic Research Foundation (AERF)) است و همکاری نزدیکی نیز با “بنیاد فردریش نومان برای آزادی” (Friedrich Naumann Stiftung) و “مؤسسه میلنیوم fur die Freiheit (FNF) (Friedrich Naumann Foundation for Freedom) (میلنیوم هزاره) (Instituto Millenium) دارد. در چارچوب همین پروژه، مدل سایت مذکور به زبان‌های کردی، ترکی و عربی نیز وجود دارد. در هر حال، ضدیت این سایت با نظام جمهوری اسلامی ایران در بخش سیاسی نمود آشکاری دارد (Cheraghezadi Website).

نتیجه‌گیری

تجزیه و تحلیل رویکردها و کارکردهای اتاق‌های فکر آمریکا نشان می‌دهد که آن‌ها با به‌کارگیری کارشناسان، مقامات سابق و کنونی دولت و نیز صاحب‌نظران مسائل مختلف از ابتدا تاکنون با اتخاذ چهار رویکرد کلان‌سازش (ترغیب ایران به همکاری)، جنگ (نابودی ایران)، تغییر از درون (براندازی نظام جمهوری اسلامی) و بازدارندگی (تحدید ایران) با هدف تغییر رژیم جمهوری اسلامی ایران وارد عرصه سیاست‌گذاری رسانه‌ای درباره کشورمان شده‌اند.

رویکرد سازش که با ترکیبی از مصالحه و معامله مطرح شده است، رویکردی دیپلماتیک با هدف ترغیب ایران به همکاری با غرب است. در این رویکرد دو گزینه راهبردی مطرح شده است: ۱. گزینه هویج و چماق (Carrot and Stick Policy)؛ ۲. گزینه تعامل و تشویق.

گزینه هویج و چماق به‌وسیله ترکیبی از تهدیدات و امتیازات فرموله شده است؛ در این چارچوب تحریم‌های اقتصادی، فشارهای سیاسی و تبلیغاتی در محور چماق و مواردی مانند ورود ایران به سازمان تجارت جهانی و رفع تحریم‌ها در محور هویج پیشنهاد شده است.

گزینه تعامل و تشویق دربرابر گزینه هویج و چماق مطرح شد زیرا بانیان این گزینه معتقد بودند که گزینه اخیر چون ویژگی تحقیرکنندگی دارد ازسوی ایران پذیرفته نشده و ناکارآمدی خود را نشان داده است؛ بنابراین، می‌بایست در چارچوب هدف تغییر رفتار ایران صرفاً از

بسته‌های تشویقی استفاده کرد؛ تاجایی که بسته‌های تشویقی موجب لیبرالیزه شدن هرچه بیشتر فضای داخلی ایران شود. حامیان این گزینه برقراری مجدد روابط سیاسی با ایران را از ضرورت‌های این گزینه برشمرده‌اند و دو استراتژی "تعامل گام‌به‌گام" (Step by Step) و "Engagement" و "معامله بزرگ" (Grand Deal) را پیشنهاد داده‌اند. آن‌ها معتقدند گزینه تعامل و تشویق باید در حوزه‌های سه‌گانه هسته‌ای، استراتژیک و اقتصادی دنبال شود و لازم است آمریکا حمایت علنی و آشکار از گروه‌های اپوزیسیون را کنار بگذارد. رویکرد جنگ در سه گزینه اصلی فرموله شده است: ۱. گزینه جنگ و اشغال ایران ۲. گزینه حمله هوایی و موشکی و ۳. گزینه جنگ نیابتی^۱.

رویکرد تغییر از درون، رویکردی باماهیت براندازی نظام سیاسی و در برخی موارد همراه با تجزیه بخشی از خاک ایران است. در این رویکرد سه گزینه راهبردی فرموله شده است: ۱. گزینه کودتای نظامی ۲. گزینه شورش ۳. گزینه انقلاب رنگی و یا کودتای مخملین. آخرین رویکرد مورد استقبال که اتفاقاً به‌لحاظ زمانی نیز در دوران قبل از انتخابات دهم و در حد فاصل دوران پایانی زمامداری بوش و دوران آغازین زمامداری اوباما شکل گرفته است، رویکرد بازدارندگی است. این رویکرد با توجه به دوره زمانی شکل‌گیری آن و با توجه به ماهیت وجودی رویکرد مذکور، تقریباً حکایت از ظهور ناکامی و درماندگی آمریکا در مواجهه با نظام اسلامی ایران دارد. رویکرد بازدارندگی، رویکرد سازش، جنگ و تغییر از درون را رویکردهای شکست‌خورده می‌داند و پیشنهاد می‌کند در حال حاضر آمریکا دست از سر ایران برداشته و سعی کند به مهار تهدیدات ناشی از ایران علیه خود از طریق بازدارندگی بپردازد. ظهور این رویکرد تا حدود زیادی نشانه موفقیت انقلاب اسلامی در یک دوره ۳۰ ساله است و چنانچه بر اثر غفلت و جهالت، ظهور و بروز فتنه پس از انتخابات ریاست‌جمهوری خرداد ۱۳۸۸ را شاهد نبودیم، حماسه حضور در این انتخابات می‌توانست تیر خلاصی به رویکردهای سه‌گانه و گزینه‌های هشت‌گانه آمریکا وارد کند و برآمدن ایران در خاورمیانه و به دنبال آن عقب‌نشینی آمریکا را به همراه داشته باشد و در نهایت رویکرد چهارمی که بر پایه پذیرش حقوق مسلم جمهوری اسلامی و عدم مداخله در امور داخلی کشور و همچنین تن دادن به پذیرش منافع ملی جمهوری اسلامی بود را در حلقه‌های فکری و تصمیم‌ساز آمریکایی ایجاد کرده و در نهایت منجر به رسیدن آن به عرصه‌های سیاست‌گذاری در دولت آمریکا شود.

طرفداران رویکرد بازدارندگی، معتقد هستند در جایی که دیگر رویکردهای سازش، جنگ و تغییر از درون جواب نمی‌دهد، بازدارندگی به‌صورت طبیعی آخرین شانس و در سیاست آخرین گزینه برای انتخاب است. این رویکرد بیشتر در محور برنامه هسته‌ای ایران ظهور و بروز پیدا کرد و طرفداران آن معتقدند که باید یک ایران هسته‌ای را پذیرفت و به جای مقابله با آن درصدد بازدارندگی آن برآمد. در این راستا آنان اعتقاد دارند که بازدارندگی همان‌طور که در برابر شوروی و چین جواب داده است می‌تواند در برابر ایران نیز جواب دهد.

اتاق‌های فکری آمریکا برای دستیابی به موفقیت در عرصه‌های مذکور می‌کوشند به رسانه‌سازی علیه کشورمان بپردازند. اگرچه اتاق‌های فکری غربی هر کدام با توجه به منابع مالی و حمایت‌کنندگان خود رویکردهای متفاوتی را برای مقابله با کشورمان دنبال می‌نمایند اما همه آن‌ها در عرصه رسانه‌ای برای تصویرسازی از جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان رژیم ناقض حقوق بشر مکمل یکدیگرند. همچنین همه آن‌ها در عرصه‌های مجازی و رسانه‌ای به صنعت تهدیدنمایی ایران اشتغال دارند. این مفهوم دلالت بر آن دارد که هزینه‌های مخالفت و تعارض با ایران در خارج از کشور و معرفی آن به‌مثابه تهدید، برای مخاطبان داخلی و خارجی بسیار پایین و منافع و سودمندی آن بسیار بالاست. بنابراین، برای بسیاری از فعالان عرصه جنگ نرم رسانه‌ای، مخالفت با جمهوری اسلامی ایران و سازماندهی جنگ نرم علیه آن لزوماً امری اعتقادی و سیاسی نیست و به مثابه نوعی اشتغال و حرفه کاری سودمند تلقی می‌شود.

علاوه بر این رسانه‌ها و سایت‌های اینترنتی برای اتاق‌های فکری مذکور به عرصه‌ای مجازی برای ارائه تصویری امروزی، کارآمد و متناسب با نیازها و علایق نوپدید مخاطبان از مفاهیم و ایده‌های غیراصیل خود تبدیل شده‌اند. به عبارت دیگر، آن‌ها می‌کوشند با ترسیم انسان ایرانی هم‌طرز با معیارهای غربی، تصویر جامعه ایرانی و علایق و نیازهای او را دگرگون نمایند. برای دستیابی به چنین هدفی مؤسسات غربی می‌کوشند با کمک فضای مجازی با تصویرسازی مخدوش و وارونه از نظام جمهوری اسلامی و ایجاد «این‌همانی» میان این نظام با تروریسم، نقض حقوق بشر، توسعه‌نیافتگی، سلطه‌جویی و زن‌ستیزی و متقابلاً ترسیم چهره آرمانی از انسان غربی و جامعه غربی و سبک جدید زندگی حول محور مفاهیمی مانند حقوق بشر، توسعه و جامعه مدنی به هویت‌سازی جدید از انسان ایرانی بپردازند. این امر از رهگذر نفی و غیریت‌سازی مبانی هویت‌بخش نظام جمهوری اسلامی، مانند «اسلام مکتبی» و «ایران اسلامی» به مثابه «غیر» یا «دیگر» در برابر هویت ایرانی و ایران مدرن در حال تکوین است. البته نمی‌توان و نباید در مورد توانمندی این مؤسسات در دستیابی به چنین غایتی بزرگ‌نمایی کرد. اتفاقاً باید گفت تاکنون این فرایند هویت‌سازی جنبه سلبی و نفی‌گونه داشته و عمدتاً بر رفض و طرد اسلام مکتبی و ایران اسلامی و صورت‌بندی سیاسی آن یعنی نظام جمهوری اسلامی، استوار بوده است. با این حال در چنین شرایطی مسلماً مهم‌ترین راهکار مقابله با این اقدامات اتخاذ ابتکار عمل‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از طریق دستیابی سیاست‌گذاری و مقامات سیاسی به اطلاعات صحیح، دقیق و مناسب است. می‌توان گفت اولین گام موفقیت سیاستمداران کشورمان در چنین عرصه‌ای باید از طریق افزایش توانمندی نهادهای فکری و مطالعاتی برداشته شود. تقویت نهادهای مطالعاتی در ایران نه تنها می‌تواند سیاستمداران را در شناسایی راهکارها و دسیسه‌های نهادهای مطالعاتی غربی یاری رساند بلکه می‌تواند در تدوین راهکارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به‌وسیله سیاستمداران برای واکنش نمودن جامعه در برابر تهدیدات نوین امنیتی نقش بسیار مهمی داشته باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. "بنیاد سوروس یا بنیاد جامعه باز"، "مرکز وودرو ویلسون"، "خانه آزادی"، "بنیاد (موقوفه) ملی برای دموکراسی"، "مؤسسه دموکراتیک ملی"، "مؤسسه جمهوری خواه ملی"، "مؤسسه امریکن اینتر پرایز"، "مؤسسه بروکینگز"، "مرکز سابان" (وابسته به بروکینگز)، "دیده‌بان حقوق بشر"، "بنیاد آمریکای جدید"، "بنیاد عبدالرحمن برومند"، "مؤسسه برای دموکراسی در اروپای شرقی" (مقر ورشو)، "مرکز دموکراتیک اروپای شرقی" (مقر ورشو)، "بنیاد فورد"، "بنیاد برادران راکفلر"، "مؤسسه هور" (دانشگاه استنفورد)، "مؤسسه هیوس" (هلند)، "مناز انگلیس"، "انجمن سازمان ملل" (ایالات متحده آمریکا)، "بنیاد صلح بین‌المللی کارنگی"، "ویلتون پارک انگلیس"، "سازمان جست‌وجو برای زمینه‌های مشترک"، "شورای جمعیت"، "مؤسسه سیاست خاور نزدیک واشنگتن"، "مؤسسه اسپن"، "بنیاد اسمیت ریچاردسون"، "صندوق ژرمن مارشال آمریکا" (دارای دفتر در آلمان، بلژیک و...)، "مرکز بین‌المللی برای حل مسالمت‌آمیز"، "مرکز مردین"، "بنیاد دموکراسی در ایران"، "مؤسسه بین‌المللی جمهوری‌خواهان"، "مؤسسه ملی دموکراتیک"، "مؤسسه ابتکار آمریکایی"، "مؤسسه دموکراسی در اروپای شرقی"، "مرکز کمک‌رسانی آمریکا"، "مرکز بین‌المللی تجارت خصوصی"، "مرکز آمریکایی برای همبستگی بین‌المللی کارگران"، "مرکز بین‌المللی برای انتقال دموکراسی"، "انجمن تشکل دموکراسی"، "مؤسسه آلبرت انیشتین"، "جنبش جهانی برای دموکراسی"، "شبکه فعالان جوان دموکراسی"، "گروه اطلاعات دموکراسی و تکنولوژی ارتباطات"، "جنبش بین‌المللی پارلمانی برای دموکراسی"، "مؤسسه شبکه جست‌وجوی دموکراسی"، "مؤسسه ریگا"، "مؤسسه برکمن" (شورای روابط خارجی آمریکا)، "انجمن سیاست خارجی آلمان"، "مؤسسه صهیونیستی ممری"، "مرکز مطالعات دموکراسی انگلیس"، "مؤسسه مریدین"، "دانشگاه یل" (و کلیه مراکز و مؤسسات تابعه)، "دانشگاه دفاع ملی آمریکا"، "مرکز مستندسازی اسناد حقوق بشر ایران"، "مرکز آمریکایی فلنا" (فعال در آسیای مرکزی و قفقاز) و «کمیته خطر جاری».
۲. رادیو زمانه، نشریه اینترنتی روزآنا، سایت خبری شه‌رزاد نیوز و مجله اینترنتی زیگزراگ هم توسط همین بودجه اداره می‌شوند. گفتنی است که هلند و آمریکا تنهایی کشورهای هستند که علناً علیه کشورمان بودجه تصویب کرده‌اند.
۳. این مقاله پیش‌تر در در جولای ۲۰۰۶ (تیرماه ۱۳۸۵) در "مجله دموکراسی" منتشر شده بود.
۴. شبکه‌ای جهانی از فعالان دموکراسی.
۵. معروف‌ترین نشریه جهان در حوزه تئوری و اقدامات مرتبط با دموکراسی آمریکایی.
۶. مرکزی برای بحث در مورد توسعه دموکراتیک.
۷. راه‌اندازی این مرکز با هدف حمایت و پشتیبانی مالی از رسانه‌ها در کشورهای جهان و تقویت کارایی آن‌ها صورت گرفت.
۸. انجمن متشکل از گروهی دارای منافع مشترک است، حال آنکه مؤسسه سازمانی‌تر است انجام تحقیقات و آموزش فعالیت می‌کند.
۹. شبکه "الحره" (آزادی) که پس از اشغال عراق توسط ایالات متحده برای خاورمیانه برنامه پخش می‌کند.
۱۰. طرفداران این گزینه، جنگ با ایران از طریق رژیم صهیونیستی را پیشنهاد کرده‌اند که می‌تواند با چراغ سبز آمریکا و مشارکت آمریکا در حمله یا با چراغ زرد آمریکا و دادن مجوز بدون دخالت در حمله و در نهایت سکوت معنادار آمریکا همراه باشد.

منابع

- الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۶). مبانی نظری و عملی رسانه اثربخش و کارآمد. فصلنامه عملیات روانی، سال پنجم، شماره ۱۷. بخش فارسی سایت بنیاد ملی برای دموکراسی، نگاه کنید به:
- <<http://www.ned.org/mena/fa/indexFA.html>>
- بخش فارسی خانه آزادی، نگاه کنید به:
- <<http://www.freedomhouse.org/template.cfm?page=460>>
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، ۲۹ خرداد ۱۳۸۸، نگاه کنید به:
- <<http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=5613>>
- سایت گذار، نگاه کنید به:
- <<http://www.gozaar.org/>>
- روزنامه کیهان، شماره ۱۹۸۰۶، شنبه ۱۳ آذر ۱۳۸۹.
- کتابخانه گذار، نگاه کنید به:
- <<http://www.gozaar.org/persian/library/index.1.html>>
- ویژه‌نامه گذار، ۲۴ خرداد ۱۳۸۹، نگاه کنید به:
- <<http://www.gozaar.org/persian/articles-fa/4253.html>>
- عبدالله‌خانی، علی. کاردان، عباس. طرح‌ها و رویکردهای آمریکایی درباره ایران، مؤسسه فرهنگی و مطالعات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۹۰.
- ماه‌پیشانیان، مهسا. جنگ نرم در فضا رسانه و سایبر، "مؤسسه طلوع" ۱۳۸۹.
- ماه‌پیشانیان، مهسا. آمریکا با قوه چهارم به جنگ ایران می‌آید، روزنامه جوان، ۱۳۹۰/۱/۱۹.
- Abelson, Donald E. "THINK TANKS AND U.S. FOREIGN POLICY: AN HISTORICAL PERSPECTIVE", VOLUME 7, NUMBER 3, NOVEMBER 2002.
- AEI Conference (26 October 2005). "The Unknown Iran Another Case for Federalism?," Wohlstetter Conference Center, <<http://www.aei.org/event/1166>>
- AEI Official Website, History, <<http://www.aei.org/aei-website/managed-content/site-pages/about/history-of-aei.html>>
- Benner, Thorsten, Reinicke, Wolfgang, & Witte, Jan. "Beyond Multilateralism: Global Public Policy Networks." International Politics and Society, 2000.
- Calingaert, Daniel. "Election Rigging and How to Fight It," Journal of Democracy - Volume 17, Number 3, July 2006.
- CATO Institute Annual Report <http://www.cato.org/about/reports/annual_report_2006.pdf>
- Cheragheazadi Website <<http://cheragheazadi.org/index.php/about>>
- Clawson, Patrick (2010). "Much Traction from Measured Steps: The Iranian Opposition, the Nuclear Issue, and the West," WINEP (The Washington Institute for Near East Policy), Policy Focus, No.100, January 2010. <<http://www.washingtoninstitute.org/pubPDFs/PolicyFocus100.pdf>>
- Eisenstadt, Michael. "The Missing Lever: Information Activities Against Iran," WINEP (The Washington Institute for Near East Policy), Policy Notes, No. 1, March 2010, <<http://www.washingtoninstitute.org/pubPDFs/PolicyNote01.pdf>>
- Haass, Richard. "THE ROLE OF THINK TANKS IN U.S. FOREIGN POLICY", AN ELECTRONIC JOURNAL OF THE U.S. DEPARTMENT OF STATE, VOLUME 7, NUMBER 3, NOVEMBER 2002.
- Iran Tracker Official Website, About Critical Threats, <<http://www.irantracker.org/about/about-critical-threats>>
- NED Annual Reports, Iran, 2009, <<http://www.ned.org/publications/annual-reports/2008-annual-report/middle-east-and-northern-africa/2008-grants/iran>>
- NED Annual Reports, Iran, 2009, <<http://www.ned.org/publications/annual-reports/2009-annual-report/middle-east-and-north-africa/description-of-2009-gra-3>>
- NED Annual Reports, Middle East And Northern Africa, 2007, <<http://www.ned.org/publications/annual-reports/2007-annual-report/middle-east-and-northern-africa/description-of-2007--4>>
- NED Official Website, About Us, <www.ned.org/about>
- NED Strategy, 1992, <www.ned.org/docs/strategy/1992_Strategy_Document.pdf>
- Stone, Diana. "Think Tanks and Policy Advice in Countries in Transition." How to Strengthen Policy-Oriented Research and Training in Viet Nam, Asian Development Bank Institute Symposium. Hanoi, 31 Aug. 2005.
- WINEP Official Website, Our Mission, <<http://www.washingtoninstitute.org/templateC11.php?CID=67&newActiveSubNav=Our%20Mission&activeSubNavLink=templateC11.php%3FCID%3D67&newActiveNav=aboutUs>>
- WINEP, Iran Security Initiative, <<http://www.washingtoninstitute.org/templateC11.php?CID=493>>